



ساختارهای خاتمه قصاید نبوی
«حَسَّانُ الْعَجَمِ خاقانی»



دکتر مجید طاهری



سرشناسه: طاهری، مجید، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: ساختارهای خاتمه قصاید نبوی حسان العجم خاقانی (به

همراه چکیده انگلیسی) / مجید طاهری

مشخصات نشر: تهران: طاهماه، ۱۴۰۳.

شابک: ۹ - ۸ - ۹۰۳۴۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: حسان العجم خاقانی در قصاید نبوی، انواع خاصی از خاتمه سرایی ها را بکاربرده است.

موضوع: خاقانی، بدیل بن علی، ۵۲۰-۵۹۵ق. - نقد و تفسیر

موضوع: Khaqani, Badil ibn Ali - Criticism and interpretation:

موضوع: محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. - مدایح و مناقب

- شعر

Muhammad, Prophet -- *Eulogie -- Poetry

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۲ق. - تاریخ و نقد

Persian poetry - 12th century - History and criticism

شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۲ق.

Religious poetry, Persian - 12th century

رده بندی کنگره: PIR۴۸۸۵

رده بندی دیویی: ۸۱۰/۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۶۷۴۴۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

تیراژ: ۱۰۰۰ - نوبت چاپ: اول - قیمت: ۱۸۰,۰۰۰ تومان





فهرست

۱	مقدمه
۳	پیشینه پژوهش
۷	خاتمه سریایی
۹	ساختار قصیده
۱۰	خاقانی و قصاید نبوی
۱۷	انواع خاتمه در قصاید نبوی خاقانی
۱۷	۱. خاتمه با ساختار تحسری
۱۹	۲. خاتمه با ساختار مفاخره‌ای
۲۲	۳. خاتمه با ساختار پندی
۲۵	۴. خاتمه با ساختار سوگندی
۲۸	۵. خاتمه با ساختار تضرعی
۳۵	۶. خاتمه با ساختار مدحی

۳۸		۷. خاتمه با ساختار دعایی
۴۱		۸. خاتمه با ساختار طنزی
۴۶		نتیجه گیری
۴۸		منابع
۵۹		Abstract (چکیده انگلیسی)



حَسَّانُ الْعَجْمِ خاقانی در قصاید نبوی، انواع خاصی از خاتمه‌سرایی‌ها را به کار برده است؛ او در قصیده «حرز الحجاز» در ادامه مدح رسول اکرم ﷺ و در خاتمه قصیده از طنز استفاده کرده و با ساختار طنزی قصیده را به پایان برده است. در دیوان خاقانی در عنوان قصیده یادشده آمده است: «این قصیده را حرر العجاز خوانند، در کعبه علیا (عظمها الله) انشاء و پیش بر این تقدس مصطفی ﷺ انشاد کرده است» (سجادی، ۱۳۹۱: ۵۵). در این پژوهش، چستی و چگونگی عاملی که خاقانی را پس از مدح رسول خدا ﷺ و خاتم پیامبران (انزاب، ۴۰) به طنز کشانده مورد بررسی قرار گرفته است. در بادی امر ممکن است به نظر برسد به دلیل آنکه مدح و مدح خاقانی، شخصیت اعظم پیامبر خداوند ﷺ است، طبیعتاً معمول در خاتمه پس از مدح، خاقانی فقط به تضرع و دعا پرداخته، در حالی که چنین نیست و او از انواع ساختارها بهره برده است.

اهمیت خاتمه اشعار، تا آنجاست که شاعر کوشش می‌نماید تا نهایت هنر خویش را در چند بیت

در ساختار یا ساختارهایی خاص نشان بدهد تا مؤثر واقع گردد و کل قصیده در ذهن مخاطب ماندگار شود.

«اگر مطلع سخن، یک بیت است، مقطع می‌تواند ابیاتی باشد که از نظر معنی به هم پیوسته. نفوذ و دامنه تأثیر سخن در ضمیر خوانندگان و شنوندگان در پایان کلام به حدی است که به آسانی زدوده نشود، از این جا است که شاعر نهایت تلاش خود را در هنرپردازی آشکارتر می‌کند» (مؤذنی، ۱۳۷۴: ۱۲۹).

این پژوهش در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. چه نوع ساختارهایی در خاتمه قصاید نبوی خاقانی، پس از مدح مشاهده می‌گردد؟

۲. چه مواضع و روش‌هایی در بکاربردن ساختارهای خاتمه قصاید خاقانی به کار رفته است؟

روش پژوهش در این کتاب به گونه تحلیل محتوا بوده و مطالعه کیفی و نظری برای شکل گرفتن این پژوهش به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. برای بررسی

چگونگی خاتمه قصاید، عوامل مؤثر در ابیات پایانی،
لحاظ گردیده است.

پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌های نزدیک به تحقیق پیش‌رو عبارتند از: علی محمد مؤذنی در مقاله «هنرپردازی در شریطه» به شریطه، پایان‌بندی و خاتمه‌سرایی پرداخته است. نویسنده بدون اشاره به قصاید نبوی خاقانی، پایان بردن قصاید را معمولاً دو گونه دانسته است: اول، به سخنی نثر و عکس و بدون شرط، دوم، با دعایی که معروف به رهای‌ناید (شریطه) است، و در تعریف شریطه، هنرپردازی و شگفتی‌های آن می‌نویسد:

«شریطه آن است که شاعر برای ممدوح خود عمر جاودانی طلب کند و با متضمن دعا برای ممدوح و نفرین برای دشمن و با استدعا این دعا را چون غالباً به اموری جاودانی و اصولی تغییرناپذیر مشروط و وابسته می‌کنند بدین جهت آن را شریطه نامیده‌اند؛ بنابراین شاعران برای رسیدن به این مقصود، قصیده خود را با «حسن مقطع» و پایانی امیدبخش به پایان برده و سعی داشته‌اند که با انتخاب موارد و اصولی

که در نفس خوانندگان بیشتر کارگر افتد از
 ترفندها و شگردهای جالب و نو در این بخش
 بهره گیرند. بررسی و تتبع در این قسمت نشان
 می‌دهد که سرایندگان به اصول و موارد زیر
 بیشتر توجه داشته و دل‌بستگی نشان داده‌اند:
 قضا و سرنوشت، احکام الهی، فلک و
 اصطلاحات نجومی، خورشید و ستارگان،
 اصول دستور و زبان (صرف و نحو)، توالی
 اعداد، عناصر پایداری که بنیاد جهان بر آنها
 استوار است و غیره...» (مؤذنی، ۱۳۷۴: ۱۲۷).

در این کتاب با ساختارهای ابیات، هیچ اشاره‌ای
 نشده است.

پایان‌بندی، چندبار که از آجمله یکی با عنوان مقاله
 پایان‌بندی در داستان با رویکرد ادبیات تعلیمی
 (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۱۱) و دیگری با عنوان مقاله
 شیوه‌های پایان‌بندی در داستان‌های مثنوی (محمدی،
 ۱۳۹۲: ۳۸-۱۹) مطرح شده است و نیز مقاله سنت
 خاتمه‌سرایی در منظومه‌های فارسی و ساختار و
 محتوای آن (تاق‌قرن هفتم) (دهرامی، ۱۳۹۸:
 ۱۴۳-۱۲۵). هر سه مقاله به مثنوی و منظومه‌ها پرداخته
 است و پایان داستان‌ها در این گونه اشعار به دلایل

مختلف اعم از شوق مخاطب به نتیجه، اهمیت داشته است. تأثیر قصیده بر ترتیب ساختار مثنوی، مسأله‌ای بوده که از دیرباز از سوی بعضی شاعران رعایت شده و در به نظم کشاندن داستان‌ها نیز مورد استفاده بوده است.

«نظر به جایگاه قصاید مدحی و تجربه و مهارت بسیاری از شاعران منظومه‌سرا در سرایش آنها، به مرور ساختار این قصاید در خاتمه منظومه نیز استفاده شد و بدین گونه در برخی از آنها تغزل، تخلص، تنه اصلی و شریطه و دعا گنجانده شد؛ تا حدی که مخاطب صرفاً از مباحث صوری، از حیث محتوا گویی باقیمانده روبه‌رو می‌شود.» (همان: ۱۲۸)

مسعود روحانی نیز در مقاله «نگاهی به شیوه‌های پایان‌بندی در شعر م. سرشک» به روش‌های پایان‌بندی نمونه‌هایی از اشعار معاصر، پرداخته است. روش‌های: «برگردان، نقش عناوین شعری، طرح پرسش، خلاف انتظار، پایان نیافتگی، انتظار، برجستگی‌های ادبی، بیت مقطع، شریطه» از مواردی است که محمدرضا شفیعی

کدکنی (شاعر مورد نظر) از آن استفاده نموده است. پژوهش گرانجمنند، بدون آنکه به انواع ساختارهای مورد اشاره این مقاله پردازد بیان نموده است: «از عناصر مهم در شکل گیری فرم ساختاری شعر «پایان بندی» آن است که علاوه بر تأثیر موسیقایی، در استحکام و انسجام بخشیدن به ساختار شعر نیز دخیل است.» (روحانی، ۱۳۹۳: ۴۰)

در سال ۱۳۹۳ دکتر مجید طاهری، طبق تحقیقی که بر ساختارهای قطعه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از رودکی تاکنون، از بعضی شاعران از جمله خاقانی به عمل آمده است، ۲۲ ساختار مختلف از بوحیدی، تغزلی، پندی، محاجه‌ای، تضرعی، مفاعیل، درخواستی، دعایی، تحیری، شکرگزاری، مولودی، مرثیه‌ای، سوگندی، بخشایشی، تحسّری، روایتی، پرسش‌گری، مذمتی، تحریضی، انتظاری، امیدواری، مدحی «شخص داده شد. هفت ساختار از ساختارهای فوق در خاتمه اشعار

نبوی خاقانی مشاهده می‌شود که ساختار طنزی^۱ را نیز به عنوان ساختار هشتم می‌توان به آنها افزود.

خاتمه‌سرایی

خاتمه و پایان قصیده، نسبت به اهمیت موضوع، می‌تواند مرتفع‌ترین نقطه و حتی قُلّه مدح باشد؛ اما در بعضی قصاید، ممکن است هیچ ربطی حتی با ممدوح نداشته و فقط محلی برای درج ناگفته‌ها، دل‌تنگی‌ها، مفسادها و حتی طنز شاعر باشد. دقت در چگونه پایان‌پذیر رفتن قصیده و برگزیدن بهترین حالت، از محاسن کار شاعر بوده و حُسن ختام نامیده می‌شود.

«در انتخاب انشأ و معنای مقطع باید دقت و حُسن سلیقه بحار باشد که اشعار به لفظ فصیح و معنی لطیف ختم شوند تا در شنونده اثر نیکو ببخشد و خاطره شیرین و باقی بگذارد، چندانکه اگر در ابیات سابق تعزّش داشته است از خاطر او فراموش گردد و این صنعت را به اصطلاح حُسن مقطع و حُسن ختام گویند» (همایی، ۱۳۸۹: ۷۲).

^۱ در شرح‌های مختلف اشعار خاقانی نظیر: شرح سجادی (۱۳۹۳)، شرح کزازی (۱۳۸۹)، شرح استعلامی (۱۳۸۷)، مطلبی درباره طنز پس از مدح در قصیده حرز الحجاز ذکر نشده است.